

سلسله نشست‌های جامعه و انرژی



نشست اول

حکمرانی انرژی در ایران شرایط و چالش‌ها

شهریور ۱۴۰۰



سخن آغازين

ايران به پشتوانه منابع عظيم نفت، گاز داراي اقتصادي متكي بر انرژي، به ويژه انرژي فسيلي، است. از اين رو در قرن گذشته اين منابع نقش اساسي در نظام توسعه و اقتصاد کشور ايفا کرده‌اند. اين نقش با احداث تأسيسات توليد و انتقال و توزيع برق براي تأمين نيازهاي فزاينده انرژي و شرايط جغرافيايي مساعد براي توسعه انرژي‌هاي تجديدپذير در دهه‌هاي اخير پررنگ‌تر شده است. اين نقش به گونه‌اي رقم خورده که بسياري از ساختارهاي نهادي و حکمراني، مسير توسعه اقتصادي-اجتماعي کشور، سياست داخلي و خارجي و به طور کلي تمام ابعاد اجتماعي، اقتصادي، سياسي و حتي فرهنگي کشور را متأثر کرده است. تا حدي که در مسئله اتکاي اقتصاد به منابع انرژي، به ويژه منابع انرژي فسيلي، به عنوان نکبت منابع نام برده مي‌شود؛ اما دليل اينکه چگونه منابع طبيعي از نعمت، به نکبت تبديل مي‌شود را بايد در نوع فعاليت و تأثيرگذاري انسان بر سيستم طبيعي و نقشي که اين منابع در مسير توسعه و حيات ساکنين اين جوامع به کار گرفته شده‌اند، جستجو کرد. در بحث مديريت منابع انرژي آنچه مهم است ترتيب‌ها و نهادها و سازوکارهاي حاکم بر مديريت اين منابع است که به نام حکمراني انرژي شناخته مي‌شود. بانک جهاني، حکمراني را شيوه اخذ و اجرائي تصميمات در حوزه مشخص تعريف مي‌کند. در اين تعريف حکمراني انرژي، ترتيبات، سازوکارها، فرايندها و نهادهاي پيچيده در سطوح مختلف بين‌المللي، ملي و محلي است که گروه‌هاي مختلف جامعه مرتبط با انرژي ترتيباتي براي پيگيري منافع، انجام تعهدات و تعريف نقش‌ها، حل اختلافات و غيره را براي خود مي‌چينند. حکمراني انرژي در بستر يا از منظر اقتصاد سياسي انرژي و همچنين نقش ايران در حکمراني جهاني انرژي به تحليل طيف وسيعي از سيستم‌هاي سياسي، اجتماعي، اقتصادي، اداري، زيست‌محيطي مي‌پردازد که براي توليد، توزيع و مصرف انرژي در کشور با درک ارتباطات بين سطوح به کار گرفته مي‌شود. پس مکانيزم‌هاي حکمراني پيچيده و فراتر از نقش و نفوذ بازيگران دولتي است و کل بازيگران دولتي، بخش خصوصي و اجتماعي را شامل مي‌شود.

در چارچوب تحليلي حکمراني مسئله رابطه اقتصاد و مسير توسعه کشور با منابع انرژي، يا تحقق امنيت انرژي، پديده‌اي سطحي نيست که با اقدامات و تصميمات کوتاه‌مدت حل و فصل شود، بلکه مسئله‌اي تاريخي، ساختاري و بنيادين است که آثار آن در همهي ابعاد اجتماعي، سياسي و اقتصادي قابل مشاهده است. در چارچوب حکمراني چندسطحي انرژي تنها به یک سطح واحد ملي در تحليل حکمراني توجه نمي‌شود، بلکه در تحليل و ارزيابي، اندرکنش نهادها، فرايندها و ترتيبات در سطوح مختلف و تأثير و تاثيرات آنها در پويابي و نگاه سيستمي به حوزه انرژي، وارد مي‌شود. توجه به جاگاه ايران در حکمراني جهاني انرژي، وضعيت منطقه‌اي انرژي و همچنين سياست‌هاي امنيت کشور و امنيت انرژي بر نحوه حکمراني انرژي کشور ضروري است.

از طرف ديگر، دست‌يابي به امنيت پايدار انرژي تنها با توليد منابع بيشتري و تاکيد بر راهکارهاي طرف عرضه ممکن نيست. با تغيير و تحولات صورت گرفته در خصوصيات جمعيتي کشور در چند دهه اخير و تغيير در الگوي مصرف و سبک زندگي مصرف انرژي در کشور به شکل روزافزون و فزاينده‌اي بالا رفته است. به گونه‌اي



که در همه سالها در تابستان و زمستان در ایام اوج مصرف کشور با بحران انرژی روبرو است و تدارک انرژی برای مصارف مختلف یکی از چالش‌های اصلی پیش روی مدیریت انرژی کشور است. تاکنون برای حل مسئله بر سرمایه‌گذاری بیشتر در استحصال منابع و یا ساخت نیروگاه‌های جدید تأکید شده و استفاده از راهکارهای کاهش تقاضای انرژی به نحوه مؤثری برجسته و مورد تأکید و اجماع مدیریت کشور یا قرار نگرفته یا به دلیل زمان‌بر بودن یا نیاز به انجام تحولات زیربنایی تکنولوژیکی بخش‌های مصرف و ایجاد اجماع اجتماعی برای تغییر رفتارها و سبک زندگی، ریسک و هزینه انجام این تحولات را هیچ دولتی متقبل نشده است. همچنین اقتصاد سیاسی پروژه‌های انرژی و تأثیری که بر ساکنان و زندگی اجتماعی منطقه مورد نظر در هر پروژه می‌گذارد، تأثیر و تأثیرات اقتصاد انرژی حاصل از این پروژه‌ها بر اقتصاد محلی آن مناطق، مانند تأثیر توسعه پارس جنوبی بر اقتصاد محلی بوشهر و مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی پیش برد این شیوه توسعه مهاجم در تحلیل نظام حکمرانی انرژی باید مورد توجه قرار گیرد.

از همین رو، شناخت و ارزیابی وضعیت سازوکارهای مختلف حکمرانی انرژی در ارائه تحلیل درستی از حکمرانی انرژی بسیار مؤثر است. در یک تقسیم‌بندی این سازوکارها در سه دسته طبقه بندی شده‌اند: سازوکارهای اقتصادی، اداری و اجتماعی. تقویت گفتمان حکمرانی انرژی نیاز به توسعه بسترهای گفت‌وگو و ایجاد فضای تعاملات بیشتر دارد. از این رو، اندیشکده تدبیر انرژی و مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو درصدد برآمدند تا با جلب همکاری دیگر نهادهای مرتبط، نشست‌های جامعه و انرژی را طراحی و برگزار کنند. اولین نشست از سلسله نشست‌های جامعه و انرژی با موضوع حکمرانی انرژی در ایران، شرایط و چالش‌ها به همت اندیشکده تدبیر انرژی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مرکز امور اجتماعی منابع آب و انرژی وزارت نیرو و با همکاری مرکز مطالعات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی پژوهشگاه نیرو و دانشگاه صنعتی شریف در یکم شهریورماه ۱۴۰۰ برگزار شد. در ادامه مشروح نشست مذکور در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.



بخش اول: سخنرانی‌ها

آقای مهندس سید مهدی طیب زاده، ریس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان با توجه به رسالت خود و موضوع مهم انرژی به عنوان یکی از موضوعات مهم کشور، با راه‌اندازی اندیشکده تدبیر انرژی، یکی از اهداف خود را کمک به حل بحران انرژی در کشور قرار داده است. شایان ذکر است که اتاق کرمان در راه‌اندازی اندیشکده تدبیر آب ایران بسیار موفق بوده است و در حال حاضر مرجع صاحب نظران و کارشناسان این حوزه می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین مشکلات حوزه انرژی آن است که رانت بسیار فراوانی در موضوع انرژی وجود دارد و این رانت سراسر اقتصاد انرژی ایران را فراگرفته است. می‌توان ادعا کرد که اتلاف منابع انرژی در حکمرانی بد انرژی موجود در کشور باعث فساد و ناکارآمدی شده است. این زنجیره به قدری کامل شده و دلبستگی‌ها و وابستگی‌ها به آن در هم تنیده شده است که امکان جدایی از این موضوع وجود ندارد. اعداد و ارقام وحشتناکی از رانت موجود در این زنجیره وجود دارد. بررسی‌های ما در کرمان نشان می‌دهد منابع عظیمی به عنوان رانت یا اتلاف انرژی وجود دارد که در صورت آزاد شدن چندین برابر بودجه‌های عمرانی و جاری استان است و می‌توان بخش مهمی از توسعه استان را با آن شکل داد. اینکه در شهری مثل کرمان این اعداد این قدر قابل لمس است، بنابراین در سطح کشور که گفته می‌شود ۸۶ میلیارد دلار یارانه انرژی پرداخت می‌شود، با چه اعداد و ارقامی روبه‌رو هستیم؟

امید است که با استقرار دولت جدید و همکاری مجلس، کشور را از این رانت عظیم نجات دهیم و سرمایه را به سمت و سوی اقتصاد ببریم.



آقای دکتر مسعود نیلی

عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شریف

بررسی تحولات مصرف انرژی در اقتصاد ایران حداقل به دو دلیل دارای اهمیت است. دلیل اول به عملکرد شاخص‌های مصرف انرژی در کشورمان مربوط می‌شود. اقتصاد ایران به صورت نسبتاً منحصر به فردی، به‌طور توأمان برخوردار از ذخایر غنی نفت و گاز است، به‌گونه‌ای که از نظر میزان برخورداری از منابع، در میان تمام کشورهای جهان در گاز رتبه اول و در نفت رتبه چهارم را دارا است. هریک از این دو مزیت به تنهایی می‌توانسته از اقتصاد ایران یک اقتصاد مرفه با ویژگی‌های ممتاز بسازد؛ اما امروز به‌طور کاملاً تعجب‌آوری مشاهده می‌کنیم که همین عامل انرژی نه تنها به یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های کشور برای رشد و سرمایه‌گذاری تبدیل شده بلکه کمبود آن، خود را به‌صورت یک بحران تمام عیار، نمایان ساخته است. در حوزه گاز، قطر بخش مهمی از گاز مورد نیاز آسیای جنوب شرقی و روسیه سهم بزرگی از گاز اروپا را تأمین کرده و هریک از این دو کشور، از این طریق برای مردم کشورشان درآمد آفرینی می‌کنند. در حوزه نفت هم کشورهای قابل مقایسه با ما، حضوری فعال و مؤثر در بازار جهانی نفت دارند. این در حالی است که ما نه تنها سهم تقریباً صفر از صادرات جهانی گاز و سهمی ناچیز از صادرات جهانی نفت خام داریم، بلکه در تأمین انرژی داخلی نیز دچار استیصال شده‌ایم. کمبود انرژی نهایی در عین برخورداری از ذخایر عظیم انرژی اولیه بسیار تعجب‌برانگیز است. تحلیل بسیار ساده و ابتدایی نشان می‌دهد که مزیت برخورداری از این ذخایر عظیم در کشور ما، تنها در مصرف انعکاس پیدا کرده و مشاهده می‌کنیم که نرخ رشد مصرف انرژی در اقتصاد ایران چندین برابر نرخ رشد مصرف در اقتصادهای دیگر توسعه‌یافته و درحال توسعه است. بر اساس این مشاهده، شاید بتوان اقتصاد ایران را به عنوان «فاجعه مصرف انرژی» نام‌گذاری کرد. تنها بخشی از این فاجعه را می‌توان در بحران تأمین برق در تابستان امسال مشاهده کرد. در حالی که طی سال‌های دهه ۱۳۹۰، عددی به تولید ناخالص داخلی ما اضافه نشده ولی مصرف برق بیش از ۵۰ درصد رشد کرده است.

اما دلیل دوم که شاید اهمیت بیشتری داشته باشد این است که طی دهه‌های گذشته، نظام تصمیم‌گیری ما، نسبت به نرخ بالای رشد مصرف انرژی بی تفاوت نبوده و به آن واکنش نشان داده و سیاست‌ها و اقدامات نسبتاً متنوعی را به اجرا درآورده است. گونه‌های مختلف سهمیه‌بندی، افزایش‌های جهشی مقطعی قیمت حامل‌های انرژی، افزایش‌های سالانه قیمت، تعیین قیمت‌های پلکانی و غیره نمونه‌هایی از این



اقدامات محسوب می‌شوند؛ اما امروز مشاهده می‌کنیم که این تجویزها افاقه نکرده و ما همچنان دست به گریبان مشکل بزرگ رشد بالای مصرف انرژی هستیم. این مشاهده سؤال مهمی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که چرا این چنین شده است؟ به نظر می‌رسد که بخش انرژی و حداقل بخش مصرفی آن، به نمادی از شکست سیاست‌گذاری تبدیل شده است. شاید به جرأت بتوان پیش‌بینی کرد که اگر از هر یک از تصمیم‌گیرندگان کشور سؤال کنیم که برای مهار رشد مصرف انرژی چه باید کرد، به‌جز درماندگی و تحیر پاسخی دریافت نخواهیم کرد؛ بنابراین، بررسی رفتار سیاست‌گذاری در حوزه مصرف انرژی، نه فقط به خاطر خود این بخش، بلکه به عنوان یک نماد از شکست سیاست‌گذاری دارای اهمیت بالا است. در واقع، تمرکز سیاست‌گذاری بر کنترل رشد مصرف و تداوم مشکل در طول زمان، ما را به این ارزیابی راهنمایی می‌کند که شاید فاجعه مصرف برآمده از «فاجعه سیاست‌گذاری» است. اگر چنین باشد، آنگاه از آنجا که سیاست‌گذار در حوزه‌های دیگر غیر از انرژی هم وقت صرف کرده و برای آن‌ها هم تصمیم‌گیری می‌کند، نگرانی بسیار فراگیرتر و جدی‌تر می‌شود. قبل از پرداختن به تحلیل رویکردهای سیاست‌گذاری در حوزه مصرف انرژی لازم است نگاهی تاریخی به علل بروز پدیده عجیب کمبود انرژی در اقتصاد ایران داشته باشیم. در این علت‌یابی حداقل به دو عامل بسیار واضح می‌توانیم اشاره کنیم. عامل اول این است که اقتصاد ایران حدود ۵ دهه است که با تورم دو رقمی با متوسط نزدیک ۲۰ درصد دست و پنجه نرم می‌کند. افزایش قیمت‌ها وقتی مزمن شده و سرعت بالا هم داشته باشد، بسیار آزاردهنده است و یک تقاضای اجتماعی بزرگ برای مقابله دولت با آن را به وجود می‌آورد؛ اما از آنجا که عامل اصلی این تورم رشد بالای نقدینگی بوده و عامل اصلی رشد نقدینگی را هم کسری بودجه دولت‌ها تشکیل می‌دهد، به‌طور طبیعی دولت‌ها تمایلی به حل مشکل از مسیر اصلاح رفتار خودشان نداشته‌اند و به دنبال مسیری جایگزین رفته‌اند و آن چیزی نبوده جز عرضه ارزان محصولات توسط دولت؛ اما این کار در چه اقتصادهایی امکان‌پذیر است؟ تنها در اقتصادهایی که دولت به‌جز مالیات، خود برخوردار از منابع مستقل مالی و فیزیکی باشد که بتواند از محل این منابع، کالاهای مختلف را به قیمت پایین در اختیار مردم قرار دهد. این منبع چیزی نیست جز نفت و گاز!

عامل دوم به نحوه نگاه دولت‌ها به بنگاه‌های بخش انرژی مربوط می‌شود. برداشت سیاستمداران و عموم مردم آن است که موضوع رفتار تجاری و عملکرد اقتصادی مبتنی بر سودآوری نباید در شرکت‌های بخش انرژی پذیرفته شود و این شرکت‌ها را باید به عنوان نهادهای اجتماعی در نظر گرفت که دارای رسالت اجتماعی هستند و آن رسالت این است که در عرضه انرژی به سود و زیان توجه نکنند. طبیعتاً در این نوع از نگاه، وعده داده می‌شود که سرمایه‌گذاری از محل منابع عمومی تأمین خواهد شد و این در حالی است که اگر دولت خود می‌توانست بودجه متوازن داشته باشد اساساً مشکل تورم و به تبع آن، قیمت‌گذاری ناصحیح فرآورده‌های انرژی هم موضوعیت پیدا نمی‌کرد.



برای آنکه درک بهتری از چرایی بروز پدیده کمبود انرژی داشته باشیم تصور کنید که کل سبد مصرفی خانوارها از دو جزء تشکیل شده باشد. جزء اول، انرژی و جزء دوم سایر کالاها و خدمات. می‌دانیم که سطح عمومی قیمت‌ها به وسیله عدم تعادل‌های اقتصاد کلان که برآیند آن در رشد نقدینگی انعکاس پیدا می‌کند تعیین می‌شود. حال وقتی سطح عمومی قیمت‌ها تحت تأثیر رشد بالای نقدینگی با آهنگی نسبتاً تند افزایش پیدا می‌کند اما قیمت انرژی ثابت نگاه داشته می‌شود، طبیعی است که اولاً قیمت بخش دیگر سبد مصرفی خانوارها با آهنگی تندتر از تورم افزایش پیدا کند و در نتیجه مصرف مردم از کالاها و خدمات این گروه کاهش پیدا می‌کند و در مقابل، مصرف انرژی که به‌طور نسبی ارزان‌تر شده، با شدت روزافزون افزایش پیدا می‌کند؛ لذا به‌عنوان مثال، در حالی که مصرف گوشت و لبنیات مردم در نتیجه افزایش قیمت این اقلام با کاهش هشدار دهنده مواجه می‌شود، مصرف انرژی در حد بحران آفرین افزایش پیدا می‌کند. نتیجه آن می‌شود که ترکیب مصرف، شکلی کاریکاتورگونه به خود می‌گیرد. حال در ادامه گزینه‌های مختلف مطرح شده یا بکار گرفته شده در گذشته را فهرست‌وار مرور می‌کنیم.

گزینه اول: تثبیت قیمت انرژی برای چند سال و اعمال افزایش جهشی هر چند سال یک‌بار

گزینه دوم: افزایش‌های مستمر سالانه قیمت انرژی

گزینه سوم: افزایش قیمت در مقیاس بزرگ و پرداخت یارانه نقدی به خانوارها

گزینه چهارم: سهمیه‌بندی

گزینه پنجم: تعیین سهمیه مصرف انرژی به هر ایرانی، مستقل از میزان مصرف و به وجود آوردن امکان مبادله آزاد سهمیه‌های تعیین شده

به نظر می‌رسد که گزینه‌های اول تا سوم، پس از آبان ۹۸، امکان سیاسی ضعیفی برای اجرا دارند. بسیار بعید است بتوان سیاستمداری را پیدا کرد که حتی به اشاره، از افزایش قیمت حامل‌های انرژی به هر میزان و به هر طریق سخنی بگوید. گزینه چهارم بسیار ناکارا و بسیار فساد آفرین است و بالاخره گزینه پنجم هرچند ضمن آنکه بسیار به عدالت نزدیک است، مسئولیت تعیین یک قیمت ثابت اداری را از دوش دولت برداشته و به‌طور متفاوت از سایر گزینه‌ها اصلاح بازار انرژی را هم در بر دارد، اما به دلیل بدیع بودن آن از یک طرف و پیچیدگی‌هایی که دارد از طرف دیگر نیازمند برخورداری سیاستمداران تصمیم‌گیرنده طرح، از سرمایه اجتماعی بالا و بهره‌مندی سازمان‌های دولتی ذی‌ربط از توان کارشناسی بالا است که هر دو پیش شرط دور از دسترس به نظر می‌رسند. با توجه به موارد مطرح شده این نکته مهم پیش روی ما قرار می‌گیرد که شاید هیچ‌یک از گزینه‌ها شانس اجرای موفقیت‌آمیز ندارند و سیاست‌گذاری‌های مختلف بخش انرژی در بن‌بست کامل قرار گرفته است! در یک طرف آینده انرژی، بحران تأمین انرژی قرار گرفته و در طرف دیگر بحران‌های امنیتی ناشی از افزایش قیمت‌ها. آیا مجموعه راه‌حل‌ها تهی است؟ قطعاً خیر.



يادمان باشد كه در اقتصاد نه بن بست داريم نه معجزه. براي دستيابي به راه حل هاي ممكن، ابتدا لازم است سياستمداران درك درستي از چرابي بروز بحران موجود پيدا كنند و علاوه بر آن، عزم خود را براي اصلاحاتي بسيار دشوار جزم كنند. پس از اين دو پيش شرط است كه راه حل ها براي شان قابل طرح خواهد بود.

آقاي دكتور محمدصادق قاضي زاده

رئيس سابق پژوهشگاه نپرو و عضو هيات علمي دانشگاه شهيد بهشتي



در خصوص ملزومات حكمراني خوب در حوزه انرژي اساسي ترين مسئله اين است كه توجه كنيم حاكميت مسئوليتهايي دارد كه بايد از آن ها مراقبت كند. بايد ببيند آيا به كارها و مسئوليتهاي خود مي پردازد يا به امور ديگري مشغول است. حاكميت نماينده مردم است. موظف به پرداختن به اموري از جامعه است كه آحاد مردم نمي توانند به آن ها بپردازند و تشكّل ها هم و جاهت يا اختيار لازم براي پرداختن به آن ها را ندارند.

همچنين اين موضوع بايد مورد توجه حكمرانان باشد كه دخالت حداقلي داشته باشند، براي دخالتشان بايد دليل ارائه كنند كه اين دخالت چه ضرورتي دارد و چرا به طرق ديگر توسط آحاد يا تشكّل هاي ديگر انجام نمي شود. اين بديهيات چون مورد تذكر قرار نمي گيرد، مبناي بسياري از چالش ها و مشكلات ما است. اگر حكومت به اين موضوع توجه مي كرد كه اساساً چرا در چنين كاري بايد دخالت كند و اگر دخالت نمي كرد چه مشكل يا چالشي ايجاد مي شد، شايد اين مسائل در حوزه انرژي به وجود نمي آمد.

بايد توجه داشت كه بسياري از نقش آفريني هاي حاكميت، نابجا و يا ناكارا است. تصدي گري و حكمراني دولت در بخش انرژي بارها مورد نقد كارشناسان قرار گرفته است، اما سياست گذاري ها در اين حوزه به دلايل مختلف همواره بر ادامه اين روند تأكيد داشتند نه تغيير آن، ولو به قيمت وارد آمدن آسيب هاي فراوان به اقتصاد كشور.



بخش دوم: گفت‌وگوی جمعی

در بخش بعدی نشست، گفت‌وگوی جمعی با مشارکت همه حاضرین در نشست انجام شد. در ادامه خلاصه‌ای از صحبت‌های ارائه شده در این گفت‌وگو ارائه می‌گردد.

آقای غفوری، انجمن ساتکا: چگونه می‌توان تعیین تعرفه‌های برق خانگی را از عهده دولت خارج کرد؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: نمونه‌ای از عدم دخالت دولت در تعرفه گذاری که آن هم تعرفه گذاری اینترنت و تلفن همراه است قابل اشاره است. در برق خانگی هم می‌توان سازوکاری در نظر گرفت که مشترکین کم‌مصرف از برق رایگان بهره ببرند و مشترکینی که صرفه‌جویی نموده‌اند بتوانند برق صرفه‌جویی شده خود را در بازار عرضه کنند و درآمد کسب نمایند؛ در واقع مشترکین قادر باشند تأمین‌کننده برق خود را انتخاب نمایند؛ همچون اینترنت که بیان شد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز به وضوح این مسئله را بیان می‌کند که بازرگانی برق از مصادیقی است که دولت نباید در آن دخالت نمایند؛ اما در حال حاضر تأمین برق توسط دولت و شرکت‌های توزیع انجام می‌شود.

آقای حاجی باشی، کارشناس حوزه مدیریت شبکه برق: به این موضوع اشاره نمودند که با توجه به داده‌هایی که منتشر می‌شود و اتفاقاتی همچون گرمایش زمین، سیل‌های اخیر اروپا و ... ممکن است در یک افق ۱۰ ساله نقطه عطفی در سبک زندگی در جهان در بخش انرژی رخ دهد که رویکرد دنیا را درباره انرژی‌های تجدید پذیر تشدید نماید و کشور را به این بهانه، تحت تحریم‌های ناشی از سوخت فسیلی قرار دهد. سؤال اینجاست که آیا زمان آن نرسیده که ما تصمیم بگیریم روی تکنولوژی تبدیل سوخت فسیلی به برق سرمایه‌گذاری کنیم و بخش تولید گازهای گلخانه‌ای را حل کنیم که با تحریم روبه رو نشویم و یا به سمت بهره‌برداری از انرژی تجدید پذیر برویم که مردم هم بتوانند نقطه عطف پیش رو را حس کنند؟

آقای دکتر قاضی‌زاده: نحوه برخورد سیاست‌گذاران با موضوعات که به سه حوزه مسئله، راهکار و صحنه‌آرایی تقسیم می‌شود. در موضوع گرمایش جهانی؛ مسئله: امنیت عرضه انرژی، راهکار: کاهش مصرف و منابع غیر وابسته (منابع تجدیدپذیر و فناوری‌های نوین همچون جوش هسته‌ای) است که برای تحقق این راهکار بایستی اجماع و سرازیر کردن منابع صورت گیرد که این اجماع مقارن شده با بحث گرمایش جهانی که دنیا را به این سمت و سو هدایت کند. بنابراین ما بایستی به مقوله کاهش مصرف و تأمین انرژی از منابع دیگر بپردازیم.



در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر از نقطه پیک انرژی‌های تجدیدپذیر در اقتصاد انرژی ایران گذر کرده‌ایم، به این معنا که فارغ از آنکه آیا انرژی تجدیدپذیر کمک مؤثری به تأمین ظرفیت تولید برق خواهد کرد یا خیر، در حال حاضر تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر می‌تواند با سوخت صرفه‌جویی شده آن حوزه برابری کند که اکنون بایستی حکومت سازوکارهایی را فراهم نماید که این حرکت در جریان جامعه شکل بگیرد. توجه به دولت آینده‌نگر و فضای اندیشه ورزی امری بسیار مهم است به طوری که اگر در یک دهه گذشته توجه‌پذیری انرژی‌های تجدیدپذیر در اقتصاد ایران را بررسی می‌کردیم بایستی تمرکز تحقیقات بر توانمندسازی کشور در فناوری، تولید تجهیزات و توسعه ماشین‌آلات این حوزه صورت می‌گرفت. برای ایجاد کارخانه‌های تولید سیلیسیم و ویفر در ایران سرمایه‌گذاری انجام شود و ایران تبدیل به یک قطب تولید تجهیزات خورشیدی شود.

آقای بردبار از روزنامه خراسان: در خصوص ارائه راه‌حل‌های مشکلات چه پیشنهادی دارید؟

آقای دکتر نیلی: در پاسخ به این سؤال به این موضوع اشاره نمودند که مسئله‌ای که در بخش انرژی ایران اتفاق افتاده، آن است که قیمت نسبی انرژی به دلیل تورم در طول زمان کاهش یافته است و بایستی دولت‌ها هر از گاهی برای جبران آن، جهشی در قیمت انرژی ایجاد کنند؛ اما تا زمانی که تغییری در مکانیسم‌ها ایجاد نکنیم و توجهی به متغیرهای اقتصاد کلان نداشته باشیم، مسئله حل نمی‌شود. بنابراین پیش شرطی مهم و اساسی در ارائه راه‌حل؛ شناخت مسائل و توجه به همه جوانب آن است.

آقای منصوری: خروج حاکمیت از دخالتی که تاکنون داشته و منتج به پرداخت یارانه‌ها شده است، آیا در نهایت باعث شوک قیمتی و تورم در مراحل اول اجرا نخواهد شد؟ همچنین کنترل این موضوع از نظر وضعیت اقتصادی - اجتماعی فعلی به نظر دشوار می‌آید.

آقای دکتر نیلی: ادامه سیاست شرایط موجود بازار انرژی، ما را به بحران تأمین انرژی گره زده که مثال بارز آن بحران کمبود برق در تابستان و در نهایت کمبود گاز در زمستان است؛ اما موضوع اصلی تعیین جایگاه درست دولت و بازار است؛ در کشور ما دولت به عرضه کالای خصوصی و روزمره تمایل دارد چون بازده سیاسی فعالیت در حوزه کالای خصوصی بسیار بالاست؛ بنابراین جایابی درست دولت در بازار انرژی مستلزم یک سری پیش نیازها می‌باشد که مطمئناً بدون انجام این پیش نیازها تبعات مثبتی به دنبال نخواهد داشت.

آقای امیرکمالی: در بحث آزادسازی قیمت و بازار برق، یکی از موضوعات اساسی، اعمال قدرت بازار است، پژوهشی در این خصوص انجام شده که نشان می‌دهد بیش از ۲۱ درصد از سهم بازار برق ایران را برق تهران در دست دارد. حال اگر بخواهیم بحث خرده‌فروشی و رقابتی‌تر کردن بازار را مطرح کنیم چه تمهیداتی بایستی اندیشیده شود؟



آقای دکتر قاضی زاده: با توجه به اینکه شرکت‌های توزیع، عرضه‌کننده انحصاری برق برای مصرف‌کنندگان هستند یک چنین بحثی پیش می‌آید که شرکتی همانند شرکت توزیع تهران بزرگ، یک سهم بسیار چشمگیری را در سمت خرید و اعمال قدرت بازار خواهد داشت؛ اما همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد موضوعی که در اصل ۴۴ هم به خوبی به آن پرداخته شده، شبکه که از مصادیق انحصار طبیعی است رگولاتور باید برای خدماتش قیمت‌گذاری انجام دهد. فرض کنیم که شرکت‌های توزیع ما عرضه‌کننده انحصاری خدمات جابجایی برق هستند و به ازای هر کیلووات ساعت متناسب با سطح ولتاژ یک حق‌الزحمه‌ای را دریافت می‌کنند تا این جابجایی را انجام دهند. عرضه‌کنندگان متعددی هستند که برق را می‌فروشند و مصرف‌کنندگان زیادی که می‌خرند، بنابراین همچون اینترنت مردم می‌توانند بدون هیچ نگرانی با سازوکاری مناسب، انرژی مورد نیاز خود را از طریق خرید مستقیم از نیروگاه‌ها در بورس تأمین نمایند؛ اما این امر مستلزم آن است که حکمرانان مسئولیت خود را به درستی انجام دهند و برای اجرای هرگونه حمایتی از مصرف‌کننده، سازوکاری برای دخالت حداقلی دولت در نظر گرفته شود.

آقای دکتر نیلی: یکی از وظایفی که دولت‌ها بر عهده دارند این است که قشر کم درآمد جامعه را بتوانند به نحوی زیر پوشش قرار دهند و در واقع وظیفه تأمین اجتماعی است، همان‌طور که نظام مالیاتی هم باید به وجود داشته باشد که از ثروتمندان مالیات دریافت کند، نظام تأمین اجتماعی نیز بایستی وجود داشته باشد که به کم درآمدها بپردازد؛ متأسفانه دولتمردان ما انرژی ارزان را به عنوان کمک اجتماعی در نظر می‌گیرند و پرداخت یارانه را به جای اینکه مستقل از قیمت انرژی باشد در قالب نظام تأمین اجتماعی گره می‌زنند و اصلاح قیمت حامل‌های انرژی شکلی را پیدا می‌کند که الآن ایجاد شده است؛ بنابراین ما بایستی برای نظام تأمین اجتماعی از منابع مستقل برای تأمین استفاده کنیم و نه از انرژی. وقتی این دو را به هم گره می‌زنیم، نه بازار انرژی و نه حمایت از کم درآمدهایمان نتیجه آفرین خواهد شد.

آقای جهرمی، متخصص حوزه اکتشاف نفت و گاز: توسعه برق پاک، کارایی انرژی و توسعه پایدار را سه راه‌حل گذار از سمت سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را عنوان نمودند و تأکید داشتند در حوزه حکمرانی و آینده‌نگری به موضوع مهم توسعه پایدار در حوزه انرژی نیز باید بپردازیم.

آقای پاک‌سرشت، مشاور مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران: برای حل مسائل موجود حوزه انرژی بایستی از صنایع بزرگ و انرژی بر شروع کنیم که متأسفانه از رانتهای بسیار زیادی هم استفاده می‌کنند. در حالی که از انرژی ارزان بهره می‌برند، محصولات خود را به قیمت جهانی به فروش می‌رسانند بدون اینکه عایدی برای دولت به همراه داشته باشد. در تکمیل توضیحات ایشان؛ جناب آقای دکتر نیلی فرمودند حتماً بایستی مدنظر داشت این راهکار موقت، صنایع ما را به سمت کارایی بیشتر سوق می‌دهد یا خیر.



جناب آقای احمدی از انجمن ساتکا: همه‌ی ما بحران را شناخته‌ایم و اکنون وقت عمل و اجرا رسیده است و بایستی به صورت مقطعی یک برنامه‌ریزی برای گذر از این بحران صورت گیرد. به عنوان مثال برای احداث ۲۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی در استان کرمان درست است شرط لازم اصلاح قیمت‌هاست اما حداقل اکنون می‌توان برای اجرایی شدن مقیاس‌های پایین‌تر برنامه‌ریزی انجام داد و در راستای حل مسائل قانونی و سیاست‌گذاری تلاش نمود.

آقای پورغریب شاهی، کارشناس خدمات مشترکین برق منطقه‌ای کرمان: سریع‌ترین راهکاری را که در استان کرمان می‌توان از پیک بار در سال ۱۴۰۱ عبور کرد را احداث ۲۰ مگاوات نیروگاه مقیاس کوچک برای هر ۲۵ واحد صنعتی بزرگ در استان مطرح نمودند.

آقای کاظمی، عضو اتاق کرمان: رانت انرژی اهمیت زیادی دارد و ارائه راهکارهای عملیاتی جهت گذار از وضعیت بحرانی فعلی در حوزه انرژی را مهم‌ترین موضوع می‌دانند.

آقای شیخ حسینی: آیا هر استانی به تناسب پتانسیل‌های خود باید نهاد رگولاتوری جداگانه‌ای داشته باشد.

آقای دکتر نیلی: در بحث رگولاتوری اقلیم کشور ما نیازمند این است که تمامی ابعاد بررسی گردد.

آقای دکتر قاضی‌زاده: با توجه به اینکه تا سال ۲۰۴۰، سیلیسیم سهم بزرگی را در حوزه انرژی خورشیدی خواهد داشت و همچنین به واسطه داشتن معادن بسیار خوب و نزدیکی به منابع انرژی در کشورمان، سرمایه‌گذاری جهت توسعه صنعت سیلیسیم هم برای مصرف داخلی و کسب بازارهای صادراتی مورد تأکید است. به منظور برنامه عملیاتی این موضوع نیز مطالعات نشان می‌دهد که به خوبی تا ۲۵ هزار مگاوات را می‌توانیم در شبکه برق با تدابیری جذب کنیم؛ اما اقدام فوری در حال حاضر ایجاد ۳ هزار مگاوات ظرفیت سالانه کارخانه در ایران است که میزان مصرف را در داخل کشور پوشش دهیم و هم بازار صادرات هم داشته باشیم.

گواهی ظرفیت مثالی از حکمرانی خوب در کشورمان است که بایستی بتوان با چنین مصادیقی از جایگاه تصدی‌گری خارج شده، از اندیشه‌ها بهره‌گیریم و به ظرفیت‌های ملی‌مان توجه نماییم و اینکه وزارت نیرو در برنامه‌های ۴ سال آینده خود، کاهش مصرف با استفاده از تکنولوژی مختلف بدون کاهش رفاه است را با توجه ویژه به حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر در نظر گرفته است بسیار حائز اهمیت است.



بخش سوم: جمع بندی

آقای مهندس سید مهدی طیب زاده، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

نماد سوء حکمرانی در انرژی کشور متوجه زندگی مردم شده است و تحمیل خاموشی‌ها به صنایع، زیان هنگفتی را به آنها وارد کرده است. پیک زدایی از صنایع جهت عدم خاموشی خانگی ضررهای جبران ناپذیری را به بخش صنعت وارد کرده است. از سوی دیگر اگر این خاموشی‌ها را به مشترکین خانگی تحمیل کنیم مسائل امنیت و سلامت و ارکان زندگی مردم تحت شعاع قرار می‌گیرد.

آنچه که ما احساس می‌کنیم آن است که موضوع اقتصاد انرژی باید در اولویت تصمیم‌گیری مسئولان تصمیم‌ساز کشور باشد. چگونه می‌شود ذهن مسئولین را روشن ساخت که ۸۶ میلیارد دلار یارانه انرژی که می‌تواند موجب تحول شود، باعث رانت و خسارت شده است؟ اگر هم بخواهیم صبر کنیم تا به این نتیجه برسند بسیار طول می‌کشد. اتاق کرمان با علاقه و تیمی که دارد می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد و سعی ما بر این است با برگزاری جلسات هم‌اندیشی هرچه زودتر به نتیجه برسیم. مجموعه اتاق کرمان با مسئولیت اجتماعی که در اندیشکده تدبیر انرژی دارد، در این حوزه تمام تلاش خود را انجام خواهد داد.